

اسلام تمدنی در مالزی و فرهنگ مالایی؛ جریان‌شناسی و نسبت‌یابی

آرمان فروهی^۱

چکیده

اسلام در عصر کنونی با پیشینه‌ی تمدنی چندین هزار ساله، همچنان تأثیرگذاری فرهنگی و تمدنی خود را جوامع مسلمان و غیرمسلمان دارد. برای دوران جدید تمدن اسلامی نمی‌توان الگوی واحد و سراسری را بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی قائل شد؛ از این رو، کشورهای تأثیرگذار جهان اسلام هر کدام متناسب با پیشینه‌ی تاریخی و ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی خود الگویی در رویکرد تمدن اسلامی خود گرفته‌اند. مالزی از کشورهای مسلمان جنوب شرق آسیا، الگوی تمدنی خود را با عنوان «اسلام حضاری» در سده‌ی اخیر مدنظر قرار داده است. در این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که اسلام تمدنی در مالزی از چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی برخوردار است. براساس این، پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به مسئله مزبور خواهد پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مالزی، مسلمانان و پیروان ادیان دیگر با یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز دارند و مالایی‌ها، که ساکنان اصلی این سرزمین هستند، نسبت به اسلام قرابت و همگرایی فرهنگی و اجتماعی دارند. اسلام حضاری مالزی مبتنی بر همین رویه، توانسته است اصول تمدن اسلامی خود را در مسائل گوناگون همچون ایمان الهی، توسعه، توان دفاعی، احترام به محیط زیست، توجه به حقوق اقلیت‌ها و زنان، توجه به علم و کیفیت زندگی مردم پی‌ریزی کند و الگویی تمدنی جدید اسلامی را خود عرضه نماید.

واژه‌های کلیدی: مالزی، تمدن اسلامی، فرهنگ مالایی، اسلام تمدنی.

۱. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه میبد. A.Forouhi@meybod.ac.ir

مقدمه

تمدن اسلامی در سده‌های متوالی فراز و فرودهای بسیاری سپری کرده و در این مسیر، به ویژگی‌ها و دستاوردهای آن در رویارویی با عناصر بیرونی افزوده شده است. در سده‌ی کنونی و افزایش ارتباطات و آگاهی‌های ملل از پیرامون خود، اطلاع از کم و کیف تمدن‌ها بیشتر صورت گرفت. همچنین شکل‌گیری ساختارهای جدید در نظام حاکمیتی و وقوع مدرنیته، عیار تمدن اسلامی در کنار تمدن‌های دیگر، به ویژه تمدن غرب، نمایان ساخته شد. وقوع تحولات علمی، انقلاب‌های صنعتی و اقتصادی و تهاجم‌های فرهنگی و نظامی غرب در سده‌ی کنونی در ضدیت با سرزمین‌های اسلامی نیز موجب شد باز اندیشی درباره‌ی اندوخته‌های تمدنی گذشته در نظرگاه اندیشمندان مسلمان پدیدار شود.

بررسی نضج، شکل‌گیری، توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی و افق پیش رو، با توجه با دگرگونی‌های و تحولات جهان معاصر برای دانشمندان مسلمان بیشتر مورد واکاوی قرار گرفت. نظام فکری مسلمانان نیز به این سمت سوق پیدا کرد که به بازانندیشی هویت دینی و اسلامی خود بپردازند. می‌توان تاریخی جداگانه برای رسیدن به این مسئله‌ی مهم قائل شد که حاکمان و نواندیشان مسلمان را وارد مرحله‌ی جدیدی از تضارب آرا و افکار کرد. رویارویی با تمدن غرب و رخ نمایاندن تمدن اسلامی در برابر آن، جزو وظایف ذاتی و دینی این نواندیشان مسلمان قرار گرفت که آن را از طریق نگارش رساله‌ها، کتب، گفت‌وگو با بزرگان سیاسی و... صورت دادند.

با گذشت زمان، بازآفرینی نقش تمدنی و ایجاد الگو با تکیه بر ذخیره‌ی علمی و فرهنگی اذهان مسلمانان را درگیر خود کرد. با وجود این، هموار کردن این مسیر به سادگی و با سرعت پیش نرفت. گستردگی و تنوع فرهنگ اسلامی در سراسر جهان و وجود قرائت‌های گوناگون از اسلام از سویی و شکل‌گیری دولت‌های عربی با طرح‌های استعماری، ارتباطات برخی کشورهای اسلامی با قدرت‌های جهانی و فقدان تأثیرگذاری سازمان‌های سیاسی - اجتماعی اسلامی ایجاد الگوس فراگیر

تمدنی با ظرفیت همه‌ی مسلمانان و گستردگی سرزمین‌های اسلامی را در هاله‌ای از ابهام فروبرد. به مرور، نقش کشورهای مدعی احیای تمدن اسلامی نمود عینی‌تری یافت و جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و مالزی برای سامان‌دهی نظام اندیشه‌ای مبتنی بر ساحت بازآفرینی تمدن اسلامی پیشگام شدند.

مالزی از کشورهای جنوب شرق آسیا در سده‌ی کنونی، گام‌های جدی و محکمی در زمینه‌ی توسعه و پیشرفت، همگام با اقتصاد جهانی برداشت. در این راه، سردمداران آن تلاش کردند که ضمن تکیه بر هویت و میراث کهن گذشته‌ی خود در مسیر اصلاح ساختارهای سیاسی و چابک‌سازی سازمان‌های حکومتی، با هدف اصلی پیشرفت همه‌جانبه و برقراری تمدن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بکوشند. این امر به برقراری «اسلام تمدنی» در مالزی منجر شد که بررسی ابعاد گوناگون و رویکردهای حاکم بر آن، از اهداف پژوهش حاضر است که در ادامه، به صورت مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

درباره‌ی مالزی آثار محدودی به زبان فارسی وجود دارد. دسته‌ی اول مطالب مرتبط به مالزی به آثاری برمی‌گردد که عمدتاً مسائل اقتصادی و سیاسی دوران جدید را شرح داده‌اند که می‌توان به برازش، مسائلی و فلاح‌زاده اشاره کرد. دسته‌ی دوم مطالب در این حوزه، به پژوهش‌هایی برمی‌گردد که مالزی را زیرشاخه‌ی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیا مورد بررسی قرار داده‌اند که برای نمونه می‌توان به اسفندیار (۱۳۹۷) و هوکر (۱۳۷۱) اشاره کرد. مقالات منتشرشده در این حوزه، عمدتاً به بررسی تطبیقی تمدن مالزی با دیگر کشورهای جهان اسلام پرداخته است که می‌توان به رهدار (۱۳۹۰) در بیداری اسلامی و بررسی تطبیقی ظرفیت‌های ایران و مالزی برای الگوی تمدنی جهان اسلام یا خواجه سروی و رسولی (۱۳۹۸) در مقایسه‌ی نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه‌ی مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یا جهان‌بین و حسینی

(۱۳۹۶) در بررسی و مقایسه مؤلفه‌های تمدنی میان چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، ترکیه و مالزی اشاره کرد. آثار بالا با وجود ارزشمندی، بر شاخصه‌های اسلام حضاری مالزی متمرکز نشده و نسبت فرهنگ مالایی و تمدن اسلامی را مورد سنجه قرار نداده‌اند. براساس این، خلأ پرداختن به مسئله‌ی پژوهش حاضر احساس می‌شود که جستار حاضر در پی رفع آن است.

۱. بسترهای شکل‌گیری اسلام تمدنی در مالزی

بررسی رویکرد مالزی به تمدن اسلامی و ظرفیت‌های آن، نیازمند کسب آگاهی از بستر سیاسی - اقتصادی و تاریخی - فرهنگی در این کشور است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد:

۱/۱. بستر سیاسی - اقتصادی مالزی در شکل‌گیری تمدن اسلامی

مالزی (Malaysia) با نام رسمی فدراسیون مالزی (به مالایی: Persekutuan Malaysia)، در جنوب شرقی آسیا واقع شده است و از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل می‌شود. بخش غربی آن به شبه‌جزیره‌ی مالزی معروف است و ادامه‌ی خاک آسیا به طرف جنوب است و به آن مالزی قاره‌ای می‌گویند. بخش شرقی نیز شامل ایالات ساراواک (Sarawak) و صباح (Sabah) است که به مالزی جزیره‌ای شهرت دارد و دریای چین میان این دو قسمت فاصله انداخته است (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۳). جمعیت این کشور طبق آخرین اطلاعات سازمان ملل متحد در ۲۰۲۴م، ۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر و پایتخت این کشور کوالا لامپور و شهرهای مهم آن جوهوربارو، آلورستار، کوتوبارو، ملاکا، بندر کوآنتان و بندر پینتولو است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۱۴). در این کشور، یازده ایالت به مالزی غربی و دو ایالت به مالزی شرقی اختصاص دارد و با تایلند، اندونزی و برونئی دارای مرز مشترک است و از جنوب با یک پل به جزیره‌ی سنگاپور متصل می‌شود (برازش، ۱۳۹۰ش: ۹).

مالزی در بین کشورهای شرق آسیا جزو کشورهایی به شمار می‌آید که در پنجاه

سال اخیر مراحل گسترش صنعتی و اقتصادی را پیموده است. این کشور توانسته است با تکیه بر منابع طبیعی غنی، تثبیت اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، ثبات سیاسی و رهبری مقتدر، به یکی از پررشدترین اقتصادهای جنوب شرق آسیا تبدیل شود (لپی‌یگر، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۶). از ۱۹۷۲م، با روی کار آمدن ماهاتیر محمد، که وی را می‌توان بنیان‌گذار مالزی نوین نامید، مالزی جذب سرمایه‌های خارجی، به همراه ثبات سیاسی - اقتصادی را در پیش گرفت و از آن طریق توانست به یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی در عرصه‌ی جهانی دست یابد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۳۷). مالزی تا زمان استقلال، عمدتاً تولیدکننده‌ی مواد اولیه همچون کائوچو و قلع بود، ولی پس از تلاش‌های اقتصادی دولت‌های پس از استقلال، به ویژه ماهاتیر محمد، به اقتصاد چندبعدی دست یافت و عمده‌ی منبع درآمدی این کشور شامل تجهیزات الکترونیکی، نساجی، درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، جهان‌گردی، قلع، روغن نخل و... است (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۱۰۷-۹۷).

سیاست خارجی مالزی با هدف تقویت وجهه‌ی این کشور در عرصه‌ی بین‌المللی پیش گرفته شده است و از زمان روی کار آمدن ماهاتیر محمد در ۱۹۸۰م، اصول مهم سیاست خارجی این کشور شامل نگاه به شرق، وحدت اسلامی و تقویت توسعه‌ی منطقه‌ای در قالب گروه آ.سه.آن مورد توجه قرار گرفت (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۵۹-۵۸). در سیاست نگاه به شرق، ارزش‌های کاری همچون سخت‌کوشی، وفاداری به سازمان و منافع گروهی در ژاپن و کره جنوبی، که کشورهای موفق شرقی هستند، مدنظر قرار گرفت و اهالی مالزی با الگوگیری از آنها، در پی آن برآمدند که به سوی موفقیت اقتصادی پیش بروند (جوان، ۱۳۹۰ش: ۲۸۰).

عملکرد سیاست خارجی مالزی در دهه‌های اخیر بر این نگرش استوار است که رسیدن به محیط امن صلح‌آمیز و با ثبات در منطقه، اصل ضروری پیشرفت و موفقیت است و باید در نظر گرفته شود و برای رسیدن به آن، به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و شرکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان

ملل متحد و... ادامه خواهد داد (جوان، ۱۳۹۰ش: ۲۹۷-۲۹۶). این کشور در مناسبات با غرب نیز ضمن تلاش برای گسترش روابط اقتصادی و ایجاد بازار مناسب برای فروش محصولات خود، انتقاداتی نیز به سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی کشورهای غربی اعلام می‌دارد (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۲۵۶-۲۴۶).

مالزی از سویی سیاست خارجی بدون حاشیه، به همراه استقلال و عزت ملی را مدنظر قرار داد و از سوی دیگر، با الهام‌گیری از روند پیشرفت کشورهای خاور شرقی و اقتصاد مبتنی بر نیازهای جدید بازار، بستر مناسبی برای ایجاد تمدن در عصر کنونی فراهم کرده است. این فضای مناسب برای تمدن‌سازی بدون آن بود که ارزش‌های اسلامی را به حاشیه براند. این مسئله‌ی مهم به پیشینه‌ی تمدنی این کشور برمی‌گردد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱/۲. بستر تاریخی-تمدنی مالزی در شکل‌گیری تمدن اسلامی

طبق قانون اساسی این کشور، اسلام، مذهب رسمی اعلام شده و آزادی مذهبی نیز مورد تصویب قرار گرفته است. زبان رسمی نیز مالایی و در ده سال اول استقلال از بریتانیا نیز زبان انگلیسی زبان دوم باشد (تیشوا، ۲۵۳۶: ۱۲۹). در کنار مسلمانان، ادیان دیگر همچون بودایی، مسیحیت، هندو، سیک، تائوئیسم، آنیسم و آئین کنفوسیوس در این کشور دارای پیروانی است. از این جهت، تقریباً مذاهب عمده‌ی دنیا در این کشور وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی جمعیت چندنژادی در این سرزمین است (برازش، ۱۳۹۰ش: ۴۶).

برای آگاهی از نحوه‌ی ورود اسلام به مالزی باید مقداری توجه را به منطقه‌ی جنوب شرق آسیا معطوف کرد. اسلام در اواخر سده‌ی هفتم تا نهم هجری از هند و شبه‌جزیره‌ی عربستان به شبه‌جزیره‌ی مالایی و مجمع‌الجزایر اندونزی راه یافت (اسفندیار، ۱۳۹۷ش: ۳۵). اگرچه فتح مناطق مختلف جهان اسلام عموماً با جنگ صورت گرفت، ولی در نواحی جنوب شرق آسیا ترویج اسلام به وسیله‌ی صوفیان و

بازرگانان انجام شد و آن را تبلیغ کردند (هوکر، ۱۳۷۱ش: ۲۳-۲۲). اسلامی که در مناطق جنوب شرق آسیا گسترش یافت، اسلام عرفانی بود که طریقه‌های صوفیه مانند قادریه، نقشبندیه، رفاعیه و شطاریه در آن نقش مهم داشتند که بعدها عالمان بزرگ و فقها مانند حمزه فنصوری، شمس‌الدین سمطرانی و... در آن سرمنشأ برکات معنوی بسیار شدند (Azra, 1997: 168). در گذر زمان، اسلام در دو سرزمین اندونزی و مالزی اکثریت جمعیت را به دست آوردند و این موضوع سبب شد جریان اسلام‌گرایی در این دو نقطه بیشتر نمایان شود.

بیشتر مسلمانان در مالزی پیروان فقه شافعی هستند و تعداد پیروان سایر مذاهب اسلامی اندک است. دولت با هدف جلوگیری از ایجاد تفرقه‌ی مسلمانان، از هرگونه فعالیت فعالیت‌های شیعی یا دیگر مذاهب اسلامی در این کشور جلوگیری می‌کند؛ از این رو، افرادی که پیرو مذهب شیعه هستند، عقاید خود را اعلام نمی‌کنند و تقیه می‌نمایند. مذهب تشیع در میان قشرهای مختلف جامعه‌ی مالزی جای خود را باز کرده است و افراد گوناگون با پایگاه‌های مختلف اجتماعی همچون استادان، طلاب، احزاب سیاسی و دانشگاهیان پیرو این عقیده هستند. از این جهت، در ایالات ملاکا، پراک، کلاتان، جوهور، سلانگور و... شیعه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۱۱۸). براساس این، در مالزی نزدیک به ده‌هزار نفر شیعه وجود دارند، ولی منابع غیررسمی، آمار شیعیان را تا پنجاه‌هزار نفر ذکر کرده‌اند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۹۲).

پادشاه، نخست وزیر و حاکمان ایالات مالزی باید مسلمان باشند، ولی اعضای کابینه می‌توانند از میان پیروان ادیان دیگر انتخاب شوند. همچنین حاکمان ایالات در مناطق خود حکم رهبر مذهبی دارند و پادشاه پیشوای مذهب اسلام در ایالت خود به شمار می‌آیند (مسائل، ۱۳۷۵ش: ۴۷). این نکته حائز اهمیت است که مسلمانان مالزی، به ویژه در دهه‌های اخیر، از نیروهای فعال در صحنه‌سیاسی این کشور بوده‌اند و اکنون نیز حزب‌ها و جمعیت‌های اسلامی نقش مهمی در مسائل سیاسی و فرهنگی

دارند و شخصیت‌های برجسته‌ای از روحانیون، روشن‌فکران و استادان دانشگاه را در خود جای داده‌اند. مسلمانان مالزی، همواره، در مسائل بین‌المللی مربوط به جهان اسلام، مانند ماجرای فلسطین و افغانستان و دیگر تحولات جهان اسلام مواضع مثبت در پیش می‌گیرند (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۵۷).

۲. فرهنگ مالایی و تمدن اسلامی

اقوام مالایی در حدود سه‌هزار سال پیش در کامبوج، شبه‌جزیره‌ی مالی و دریاهای جنوبی مالزی زندگی می‌کردند. قوم مالایو، که در دو ناحیه‌ی مالزی سکونت دارند، بیش از نیمی از جمعیت این سرزمین را تشکیل می‌دهند و از نظر سیاسی، مهم‌ترین گروه این کشور برشمرده می‌شوند. آنها به اسلام پایبند هستند و زبان و فرهنگ مشترک دارند و این موضوع سبب شده است که نژاد مالایو از دیگر اقوام و نژادهای ساکن در مالزی، مانند چینی، هندی و پاکستانی، متمایز و تأثیرگذارتر باشند (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۲۲؛ برازش، ۱۳۹۰ش: ۴۲).

بومیان منطقه‌ی جنوب شرق آسیا، اسلام را بدون توجه به اینکه باورها و اعمال گذشته‌ی خود را به طور کامل رها کنند، مورد پذیرش قرار دادند. براساس این، باورها و آموزه‌های اسلامی با فرهنگ بومی مالایی در هم آمیخته شد و گونه‌ای از اسلام، که می‌توان آن را اسلام مالایی نامید، شکل گرفت. گرایش اقوام گوناگون این منطقه به اسلام، به معنای پذیرش کامل اسلام نبود، بلکه فرایندی طولانی مدت در جهت سازگاری بیشتر با اسلام به شمار می‌رفت که تا امروز هم ادامه یافته است (Mutalib, ۱۹۹۷: ۷-۶).

نژاد مالایی و دیگر نژادهای بومی ۵۸٪، نژادهای چینی ۲۴٪، هندی ۸٪ و نژادهای دیگر ۱۰٪ جمعیت کشور گروه‌های نژادی و قومی مالزی را شامل می‌شوند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۲۴). با وجود این و با توجه به درگیری‌های نژادی میان مالایوهای حاکم بر کشور مالزی با دیگر گروه‌های نژادی، به ویژه چینی‌ها، همواره، امکان وقوع

درگیری‌های مذهبی میان پیروان عقاید دینی گوناگون وجود داشته است (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۴۴). در این میان، روابط حسنه میان مالای‌ها و مسلمانان وجود دارد.

۱/۲. همزیستی مسلمانان و مالایی‌ها

پیوند تاریخی فرهنگی میان مذاهب اسلام و نژاد ملایو، هویت اصلی فرهنگ ملایو را تشکیل می‌دهد. بسیاری از نمادهای فرهنگی اسلامی در مظاهر گوناگون آن متجلی است که می‌توان به رعایت حجاب اسلامی به وسیله‌ی زنان مسلمان، اجرای احکام و رعایت سنن اسلامی در تولد، ازدواج و طلاق، مرگ، منزلت روحانیون و مبلغان مذهبی، اهمیت قرائت قرآن، به ویژه در ماه مبارک رمضان، اشاره کرد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ش: ۱۰۷). همچنین سنت‌های پیش از اسلام و نیز اعتقادات سنتی با مفاهیم سیاسی هندو گره خورده است. در پایین‌ترین سطح، معلمان مذهبی دهکده، مدارس اسلامی را اداره می‌کردند. در عین حال، پیشوایان محلی (امام) بر آداب مذهبی نظارت می‌کردند. امامان به واسطه‌ی قواعد، آداب عبادات و تعهدات مالی اسلامی با قضات مسلمان و دادگاه‌ها رابطه‌ی منظم برقرار می‌کردند و علمای مذهبی هم شوراهایی برای مشورت درباره‌ی قواعد و موضوعات مذهبی تشکیل می‌دادند (مسائلی، ۱۳۷۵ش: ۴۲). مفتی، مقام رسمی است که حکومت ایالتی منصوب می‌نماید و از قدرت زیادی برخوردار است و در شورای اجرایی ایالت عضویت دارد. از اختیارات ویژه‌ی وی، صدور فتوا در زمینه‌ی مقررات و احکام اسلامی است (Funston, 2006: 55-54).

در ۱۹۷۱م، با تشکیل حکومت شورای امور مالی، جایگاه مالایی‌ها و زبان مالایی تثبیت شد. در این باره، شورای امور ملی طرح اولیه درباره‌ی جلوگیری از بحران‌های ناشی از بی‌اعتمادی به حکومت و دشمنی‌های عمومی، که به به‌هم‌گسیختگی کشور منجر می‌شد، ارائه کرد و این شورا دیارتمان وحدت ملی را به منظور مطالعه، ارزیابی و اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی برای ارتقای انسجام ملی تأسیس کرد

(اسفندیار، ۱۳۹۷ش: ۱۸۵). این دیارتمان همچنین وظیفه داشت رکن نگارا (Rukunegara) یا همان «ایدئولوژی ملی» را به منزله‌ی پیوند میان مردم مالزی تدوین کند (Means, 1976: 400). رکن نگارا به معنای اصول دولت بود که هر شهروندی باید عمل خود را بر آن بنا می‌نهاد و اعتقاد به خداوند، وفاداری به پادشاه و دولت، سلطه‌ی قانون اساسی، حاکمیت قانون و خوش‌رفتاری و خوش‌اخلاقی را شامل می‌شد (نوثر، ۱۳۷۱ش: ۲۲۴). در اصل سوم این ارکان، بر مسئولیت هر یک از شهروندان درباره‌ی قانون اساسی و احترام به آن، به ویژه در ارتباط با جایگاه حکام مالایی و موقعیت اسلام و امتیازات ویژه‌ی مالایی‌ها و زبان مالایی تأکید شده است. همچنین در اصل پنجم نیز بر پرهیز از رفتارهای تفرقه‌برانگیز در جامعه سخن گفته شده است (Tarling, 2004: 170).

مستندات متعدد تاریخی نیز حکایت از ارتباط و به‌هم‌پیوستگی تمدنی قوم مالایی و اسلام دارد. در موزه‌ی کوالالامپور سنگ‌های قدیمی نگه‌داری می‌شود که بر روی آنها قوانین و دستورات اسلامی آنها حک شده است. هرچند زبان مورد استفاده در سنگ‌نبشته‌ها مالایی است، ولی زبان به‌کاررفته، سرشار از واژه‌های عربی و فارسی است که حضور تمدن اسلامی را در مالزی نشان می‌دهد (بابایی، ۱۳۹۳ش: ۴۲۷). سنگ‌نوشته‌ها سندهای تاریخی تردیدناپذیر به شمار می‌روند که در ادوار متعدد تاریخی مالزی می‌توان به آن رجوع نمود و در کنار آنها وجود سلسله‌های پادشاهی متعدد در مالزی، تمدن باشکوهی را در پرتو آموزه‌های دینی و اسلامی ساخته است که براساس آن مسلمان بودن، داشتن حکومت و ساختن تمدن مبتنی بر دین، سه ویژگی مسلمانان مالزی از قرون نخستین هجری است که تا به امروز نیز وجود دارد و محو نشده است (شیرودی، ۱۴۰۲ش: ۴۰).

۲/۲. امتداد همزیستی مسلمانان و مالایی‌ها در عصر کنونی

با وجود آنکه اسلام مذهب رسمی مالزی به شمار می‌رود، دولت مالزی، اسلامی نیست. دولت ملزم به تأمین مالی مؤسسه‌های اسلامی مالزی است. این التزام قانونی

در اصلاحیه‌ی قانون اساسی در سال ۱۹۷۶م آمده و به دلیل وجود اکثریت مسلمانان در کشور بوده است. ماهاتیر محمد بر مطابقت قوانین اسلام و مالایی تأکید می‌کند و به دنبال نهادینه‌سازی و همزیستی مسالمت‌آمیز ارزش‌های پلورالیستی و مدارا در جامعه‌ی چندفرهنگی مالزی است. این اقدام کشور را از ایجاد افراط‌گرایی دینی و ازهم‌گسیختگی فرهنگی دور می‌نماید (خراسانی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۸۳). در تحکیم ارزش‌های اسلامی و پیوند آن با سنت‌های مالایی و به تصویر کشیدن کشوری اسلامی مترقی، نقش ماهاتیر محمد بسیار برجسته است؛ یکی از اقدامات وی، تأسیس چندین دانشگاه و اندیشکده‌ی بین‌المللی است (Hoffstaedter, 2009: 124).

ماهاتیر دیدگاه سنتی طرفداری از گسترش غرب‌گرایی مالزی را به سیاست «نگاه به شرق» (Look East policy) تغییر داد و بر جهت‌گیری جنوب - جنوب به جای شمال - جنوب تأکید نمود. سیاست «نگاه به شرق» حول‌گرایش‌های ملی و منطقه‌ای است که غرب را نقد می‌کند و بر بومی‌سازی ارزش‌های آسیایی (اجرای ارزش‌های کنفوسیوسی ژاپن، کره و تایوان) و ارزش‌های اسلامی، به منظور تقویت جامعه‌ی اسلامی مالایایی و توسعه‌ی مالزی تأکید دارد (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۴: ۵۹).

به نظر ماهاتیر محمد، شرق از رویکرد جامع‌تری درباره‌ی زندگی برخوردار است. وی عرفی‌سازی دین در جوامع غربی و محدود کردن دین به حوزه‌س شخصی و خصوصی را عامل شکست غرب و «زوال اخلاقی» آن می‌داند؛ از این رو، در جامعه‌ی مالزی به دنبال استاندارد غربی برای توسعه، بدون مشکلات اجتماعی آن بوده است. مالزی با میراث اسلامی و برخورداری از رفاه اقتصادی، این فرصت را دارد تا الگوی اسلامی بومی منسجمی برای توسعه ارائه کند؛ بنابراین، کوشید نوسازی کشور را البته نه به شیوه‌ی مدرنیته‌ی سکولار غربی، بلکه با الگوی بومی و مطابق با ارزش‌های جامعه‌ی مالزی پیش ببرد. «بازگشت» به ارزش‌ها و حقایق دینی در زمان تحولات اقتصادی، نقطه‌ی تعادل در برابر سکولاریزاسیون، مادی‌گرایی و مصرفی شدن جامعه بوده است (خراسانی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۸۵).

۳. جریان‌شناسی اسلام تمدنی مالزی

حرکت مالزی به سمت پیشرفت و موفقیت، برنامه مدون و راهبردی دولت‌های معاصر برشمرده می‌شود. تون عبدالرزاق، نخست وزیر وقت مالزی، طرحی عملی برای پیشرفت مالزی، با تکیه بر آموزش ارائه کرد. وی حل مشکلات اقتصادی و از آن فراتر را در چارچوب تمرکز بر آموزش می‌دانست. این برنامه به وسیله‌ی نخست‌وزیران بعدی همچون ماهاتیر محمد ادامه پیدا کرد. وی در امتداد این طرح، چشم‌انداز ۲۰۲۰ را مطرح نمود و پس از آن عبدالله احمد بدای با پیروی از نخست‌وزیران سابق طرح جامعی تحت عنوان «اسلام حضاری» را با هدف ایجاد «جامعه‌ی مالزیایی متمدن و باشکوه» تدوین کرد (نوروزی و حاتمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۱).

اسلام تمدنی یا اسلام حضاری (Islam Hadhari) مالزی مانیفستی است از تلاش میان برقراری ارتباط وثیق سنت و تجدد، که در کنار حفظ هویت اسلامی، به کشوری مدرن و پیشرفته مبدل شد. «عبدالله احمد بدای» «اسلام تمدنی یا حضاری» را رهیافت اسلامی متمدن، دموکراتیک و مبتنی بر مدارا می‌داند که در عرصه‌ی داخلی جامعه‌ی مالزیایی و در فضای بین‌المللی نیز عرضه می‌شود (Ali, ۲۰۰۷: ۲۰۷). این خوانش، مبتنی بر عناصری از اسلام است که توانایی و قابلیت متمدن‌سازی انسان‌ها را دارد و درصدد است میان مسلمانان و غیرمسلمانان هماهنگی لازم برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و توسعه‌محور، مبتنی بر اصول دموکراتیک ایجاد کند (نوروزی و حاتمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۱).

ایمان و تقوای الهی، حکومت عادل و سزاوار اعتماد، قابلیت دفاع از مالزی، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و زنان، همبستگی فرهنگی و اخلاقی، مردمی‌آزاد و مستقل، ارجحیت دانش، توسعه‌ی متوازن و فراگیر اقتصادی، حفظ محیط زیست و کیفیت خوب زندگی، جزو اصول اسلام حضاری است که در فرایند متمدن‌سازی مورد توجه و تأکید رهبران مالزی قرار گرفته است (AL-Aidrus, 2009: 7-9). اسلام حضاری در چارچوب ایده‌ها و جنبش‌های متعارض داخلی مالزی و چگونگی تعامل

با جهان پیرامونی عرضه شد. دولت در بسیاری از موارد، تفسیر اسلام حضاری را به عهده‌ی دانشگاهیان و مفسران گذاشته است تا فضایی سیاسی و گفتمانی برای آن ایجاد کنند؛ این امر سبب می‌شود سیاستمداران نسبتاً آزادانه به انتقاد و تشریح برداشت خود از الگو ارائه‌شده بپردازند و به مردم نیز اجازه‌ی عاملیت عمومی در ایجاد فضای اسلامی داده است (خراسانی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۸۷).

۱/۳. ایمان و تقوای الهی

اصول و عقاید دینی اسلام در قالب احکام و شعائر گوناگون در جامعه‌ی مالایی‌ها گنجانده شده است. در حالی که احکام و اصول اعتقادی اساسی اسلام در قرآن و احادیث نبوی معرفی می‌شوند، نکات ظریفی در اعتقادات مالایی‌ها وجود دارد که ممکن است برگرفته از فرهنگ آن سرزمین باشد. برخی از جنبه‌های ظاهری همانند مسکن، لباس و مسائل جزئی دیگر براساس فرهنگ مالایی در اعتقادات آنها ادغام شده است. چهار اصل اساسی، که ارکان اسلام به شمار می‌روند، شامل نماز، روزه، زکات و حج است. در این زمینه، شایان توجه است که ابعاد فرهنگی مالایی‌ها با احکام مذهبی اسلام نزدیکی دارد. مالایی‌ها همه‌ی عقاید اساسی اسلام را پذیرفته‌اند و به آن عمل می‌نمایند؛ نماز را در پنج نوبت به پا می‌دارند، سی روز از سال را روزه می‌گیرند، یک بار در سال زکات فطره می‌دهند. سطح فهم آنان از عقاید اسلامی، بستگی به درک از آموزش نکات ظریف و ریز دین و تشخیص و برداشت درست از اعتقاد و عمق دین دارد. برپایی نماز و گردهمایی‌ها صورت روزانه یا هفتگی مالایی‌ها را به صورت جماعتی از معتقدان درآورده است. مراسم و اعمال مرسوم، مناسک مذهبی را به الگوهای فرهنگی بومی تبدیل می‌کند، به حدی که هویتی برای دیگر افراد مالایی، یعنی گروه‌های مذهبی و فرهنگی فراهم می‌نماید. اعمال دینی آنچنان عمیق در الگوهای فرهنگ مالایی وارد شده است که اسلام و مالایی‌ها کاملاً در هم ذوب شدند و در قالب سیستم فرهنگی شناخته می‌شوند (کلینگ، ۱۳۸۰ش: ۱۱۴-۱۱۰).

۲/۳. حکومت عادل و سزاوار اعتماد

پادشاه مالزی در ۳۱ آگوست ۱۹۷۰م، رکن نگارا را راهنمایی برای دستیابی به وحدت ملی و حفظ روش زندگی دموکراتیک و ایجاد جامعه‌ای عدالت‌محور اعلام کرد تا ثروت ملی به طور برابر تقسیم شود (اسفندیار، ۱۳۹۷ش: ۱۸۶). دغدغه‌ی حکومت مرکزی، همواره، اجرای دقیق و منظم مقررات و احکام اسلامی مطابق با عدالت در همه‌ی ایالات مالزی بوده است. در این باره، شورای ملی امور اسلامی مالزی در سال ۱۹۷۰م تأسیس شد و در سال ۱۹۹۲م، مؤسسه‌ی درک اسلامی مالزی تحت نظر دفتر نخست‌وزیری ایجاد گردید. تعدادی از متخصصان علوم اسلامی با برگزاری همایش‌ها، ایراد سخنرانی و برنامه‌های تلویزیونی و انتشار مطالب دینی به زبان مالایی و انگلیسی، دیدگاه‌های دولت را درباره‌ی امور اسلامی تبیین می‌کنند (Funston, 2006: 56).

۳/۳. قابلیت دفاع از مالزی

از وظایف اصلی هر حکومت، دفاع از هموطنان خود است. در آیات قرآن و اندیشه‌های اسلامی، بر ایجاد امنیت و حفظ اصول دفاعی برای مقابله با هجوم احتمالی دشمن تأکید و بر هوشیاری مسلمانان در برابر آن سفارش شده است. نمونه‌ی آن در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی انفال آمده است: «در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانائی دارید، از نیرو آماده سازید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله‌ی آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید»^۱. در برقراری و ایجاد تمدن اسلامی نیز وجود توانایی‌های دفاعی و برقراری امنیت برای ساخت تمدن قوی و غنی ضروری است. اصول اسلام تمدنی در مالزی نیز بر حفظ توانایی‌های دفاعی قوی تأکید شده است و این، بخش جدایی‌ناپذیر به شمار می‌رود. این موضوع از آن جهت مهم است که قدرت نظامی و تدافعی در برابر دشمن، ضمن ایجاد عزت و استقلال

۱. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰).

ملی، موجب تداوم آرامش سرزمینی و شکل‌گیری بستر مناسب با هدف نوآوری و خلاقیت مردم آن سرزمین می‌گردد (Ali, 2006: 124). در این زمینه، مالزی با در پیش گرفتن سیاست خارجی تنش‌زدا، میانه‌روی سیاسی و توجه به گردشگری و ظرفیت اقتصادی آن، زمینه‌ی لازم را برای جلوگیری از تجاوزهای احتمالی ایجاد کرده است.

۴/۳. حمایت از حقوق اقلیت‌ها و زنان

در اسلام، همواره، بر تساوی و برابری زن و مرد و همه‌ی قشرهای جامعه تأکید شده و آیات و احادیث فراوانی درباره‌ی این موضوع آمده است. در تمدن‌های اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام نیز تنها زمانی دوران اوج و پیشرفت آنها محقق شد که به حقوق همه‌ی انسان‌ها توجه گشت و به زنان مجال ورود به عرصه‌ی اجتماعی داده شد. در این باره، حضور زنان، به ویژه در دوران کنونی، در کشورهای اسلام و نیز مالزی مورد توجه قرار گرفته است.

توجه ویژه به مسائل زنان در مالزی، اولویت اصلی در برنامه‌ی هشتم توسعه این کشور برشمرده می‌شود و ماهاتیر محمد در برنامه‌ی راهبردی ۲۰۲۰ بر جایگاه زنان تأکید کرده است. ماهاتیر محمد درباره‌ی اهمیت خانواده نظر می‌دهد: «خانواده، همیشه، رکن اصلی استحکام جامعه‌ی بشری و پایداری ارزش‌های برتر در فرهنگ بشری بوده است. هرچه حلقه‌های فامیلی مستحکم‌تر و خانواده گسترده‌تر می‌شدند، به همان مراتب رفتارهای مطلوب‌تر و ارزش‌های ارجمندتری ایجاد و منتشر می‌گشتند و این ارزش‌ها در جامعه نیز حمایت و تقویت می‌شدند. ارزش‌های ارجمند، محصول ثبات، عملکرد و پیشرفت جامعه و سطح مدنیتی به شمار می‌رود که جامعه به آن دست یافته است. در خصوص سنت‌ها، عادات و آموزه‌های اسلامی، درباره‌ی خانواده نیز اسلام حکم به اطاعت کوكورانهای زن در برابر مرد نمی‌کند. زنان دارای حقوق خود هستند. احتراز از حقوق زناشویی تا حصول اطمینان از سلامت زنان و کودکان، حکم درستی است که اسلام داده است. در اسلام، ازدواج تنها رضایت

جنسی یکطرفه نیست، بلکه هدف از ازدواج در اسلام، تولید فرزند صالح، برای توسعه‌ی امت اسلامی است» (محمد، ۱۳۸۸ش: ۹۱ و ۹۵).

با توجه به رویکرد اسلام به مسئله‌ی حقوق اقلیت‌ها و حق برخورداری همگان از اصول اساسی در جامعه و ممنوعیت تبعیض در میان اقوام و ملل، اسلام حضاری نیز این اصل را در ایجاد جامعه‌ای تساوی‌محور و به دور از تقسیم‌بندی‌های قومیتی مورد توجه قرار داده است؛ رعایت حقوق زنان، که نیمی از جمعیت جامعه را به خود اختصاص داده‌اند، به موازات تضمین حقوق دیگران، نکته‌ی برجسته اسلام حضاری است (خراسانی، ۱۴۰۱ش، ج ۲: ۸۶). توسعه‌ی جایگاه سلامت زنان، بالا رفتن تعداد دختران در حال تحصیل در مقاطع متوسطه و دانشگاه، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مشارکت بیشتر زنان و تلاش برای رفع نابرابری در مورد زنان، جزو اقداماتی است که با هماهنگی دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادها و تشکل‌های غیردولتی، جایگاه مالزی را در گزارش‌های جهانی در رتبه‌های بالاتری از کشورهای مشابه ثبت کرده است (اصغری و هنردوست، ۱۳۹۳ش: ۷۶).

۳/۵. همبستگی فرهنگی و اخلاقی

قرآن، مهم‌ترین کتاب مسلمانان، در سوره‌ها و آیات گوناگون خود از اخلاق و مصادیق آن سخن گفته است. براساس قرآن، اسلام بر بنیان اخلاق نهاده شده است و مکارم اخلاقی در دولت نبوی، همیشه، سرلوحه‌ی اقدامات رسول‌الله ﷺ بوده است. «خُلُق عَظِيم» رسول‌الله ﷺ، «تولید قدرت» نمود و به مثابه «نیروی اثربخش» به شمار می‌رود که آثار آن در پیشبرد مأموریت رسول‌الله ﷺ؛ گرایش به پیامبر ﷺ و پذیرش اسلام، تحمل دشواری‌ها و همراهی با رسول‌الله ﷺ در ایجاد تغییرات گسترده در جامعه‌ی جاهلی متجلی گردید؛ از این رو اخلاق و فضائل اخلاقی پیامبر ﷺ، قدرت و سرمایه‌ای برای ایشان پدید آورد که در گرایش به دین محمدی ﷺ و تبعیت از آیین جدید نمودار گردید. این مسئله، بدون تردید، زیرساخت‌های برپایی تمدن

باشکوه مسلمانان را فراهم کرد (شهریاری و فروهی، ۱۴۰۲ش: ۸۳).

دولت مالزی تلاش جدی خود را معطوف به رعایت اصول اخلاقی درون جامعه‌ای با مقررات اسلام حضاری، که به نوعی فرهنگ مبتنی بر مالزیایی - اسلامی به شمار می‌رود، ارائه نموده است که شامل مجموعه‌ای از راهبردهای گوناگون اجتماعی در شکل‌گیری هماهنگی، در جامعه‌ی چندفرهنگی مالزی است. تکیه بر اصول مشترک میان همه‌ی فرهنگ‌ها و ادیان رایج در جامعه‌ی چندفرهنگی، که با مبانی ارزشی و فرهنگی مالایایی همپوشانی دارد، موجب قرابت و به هم پیوستگی فرهنگی و دستیابی به وحدت ملی خواهد شد (Hoffstaedter, 2009: 134). تأکید بدای بر اصول مشترک اخلاقی در ایجاد همبستگی بین تمدن‌های گوناگون، منبعث از ژئوپلیتیک تنش میان جهان غرب و دنیای اسلام بوده است که هر یک ارزش‌ها و اصولی گوناگون و گاه متعارض با دیگری تعریف کرده‌اند، ولی وی خاستگاه ارزش‌های تمدنی را ادیان بزرگ ابراهیمی و سامی می‌داند که با گستردگی در میان مردم می‌تواند به نقطه‌ی اتصال هویت‌های گوناگون تبدیل شود. نبود همبستگی فرهنگی و اخلاقی، به بازماندن از فرایند توسعه و پیشرفت منجر خواهد شد (خراسانی، ۱۴۰۱ش، ج ۲: ۸۸).

۶/۳. مردم آزاد و مستقل

حقوق شهروندی با تکیه بر ارزش‌های دینی، از اصول مهم اسلامی به شمار می‌رود و در آن برای هر فرد مسلمان، هویت مستقل ارزشی قائل شده است. در اصل ۳ قانون اساسی، اسلام، مذهب رسمی مالزی شناخته شده است و مذاهب دیگر می‌توانند به صورت آزاد و مستقل در همه‌ی ایالت‌ها مراسم مذهبی خود را اجرا کنند. مالزی از نظر وجود ادیان و نژادهای گوناگون (مسلمانان، مالایی‌ها، چینی‌ها، بودایی، هندی‌ها و...)، الگوی مناسبی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و تضمین حقوق افراد در جامعه‌ی چندنژادی است. در اصول پنجم و ششم قانون اساسی مالزی، بر آزادی مذهبی و پرهیز از دخالت هر نوع نهاد و سازمان دولتی و غیردولتی در جلوگیری از

برگزاری مراسم تأکید شده است. همچنین در این کشور، مکان‌های مقدس ادیان دیگر تخریب نمی‌شود و در مواد ۲۹۵ تا ۲۹۸ قانون مجازات مالزی، هر گونه توهین به مذاهب گوناگون جرم تلقی می‌گردد و برای آن مجازات در نظر گرفته می‌شود (Farugi, 2005: 256).

اسلام حضاری با تکیه بر اصول شهروندی مندرج در قانون اساسی مالزی، در پی برقراری شرایطی است که شهروندان بتوانند در عین اختلاف و وجود افتراقات، آزادانه و مسالمت‌جویانه در کنار یکدیگر زندگی کنند. خراسانی در تحلیل این موضوع می‌نویسد: «دولت مالزی با عرضه اسلام حضاری، دیگر هویت‌ها و نژادهای موجود در جامعه‌ی مالزی را به رسمیت شناخته است و شهروندان غیرمسلمان، آزادانه، در کنار هم‌وطنان خود زندگی می‌کنند و شعائر و مناسک خود را به جای می‌آورند. اسلام حضاری موفق شده است شهروندان را متوجه مسئولیت‌های اجتماعی خود، فارغ از دلبستگی‌های قومی، مذهبی و نژادی کند. این ویژگی در درازمدت به مؤلفه‌ی هویتی مالزیایی تبدیل گردیده است» (خراسانی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۹۱-۹۰).

۳/۷. ارجحیت دانش

توجه به علم و فناوری، از ضروریات زندگی بشری برشمرده می‌شود و همه‌ی حکومت‌ها بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را صرف گسترش علم به منظور رفع نیازهای خود می‌کنند. در سده‌ی اخیر، این موضوع بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است و عملاً شاخصه‌ی علم در دسته‌بندی کشورها به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته، امروزه، از ارکان اصلی به شمار می‌رود. موقعیت مالزی در نزدیکی کشورهای در حال توسعه و پیشرفته مانند اندونزی، کره جنوبی، ژاپن و چین، موجب آن شده است که در مالزی علم را ابزاری برای پیشرفت اقتصادی و نظامی بداند.

اهمیت توجه به علم با تکیه بر اسلام‌گرایی را می‌توان در سخنان ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر پیشین مالزی نیز جست‌وجو کرد: «دانش نباید موجب سستی ایمان ما به

خداوند باشد. دانش باید ایمان ما را به خداوند قوی‌تر کند و ما را در مورد بزرگی خدا و دین او متواضع‌تر و قدرشناس‌تر نماید. مطالعات من در زمینه‌ی دین و علم مرا متقاعد کرده است که این دو با هم تطبیق‌پذیرند. علم ایمان مذهبی را افزایش می‌دهد، آن را صحه‌گذاری می‌کند و به انسان نشان می‌دهد که قدرت خداوند متعال به مراتب از آنچه ما عقیده داریم، بزرگ‌تر است. آنهایی که تنها به آموزش علم دین مشغول‌اند، هرگز نمی‌توانند به قدرت قادر متعال و دین او پی ببرند. آنهایی که تنها به علم‌آموزی می‌پردازند، ممکن است چنان مغرور شود که پی به معنا و نیاز به ایمان نبرند و ضعف انسان فانی را درک نکنند. مسلمان‌های مؤمن باید به اندازه‌ی کافی دانش به دست آورند و دانشمندان مسلمان نیز باید با استفاده از اصول و مبانی دینی، خود و جهان را از غرور آگاهی نیم‌بند و ناقص برهانند. در جهان جدید، مسلمانان با ایمان و دانش خود، باید راه را به دیگران بنمایانند. راه مذهب و اخلاق، به ثروت مادی و جهانی عمیقاً مفهوم منتهی می‌شود» (محمد، ۱۳۸۸ش: ۳۰ و ۳۲).

۸/۳. توسعه متوازن و فراگیر اقتصادی

در عصر کنونی، پیشرفت جوامع و کشورها معادل با توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. رهبران مالزی، در ادوار گوناگون، با تکیه بر ظرفیت‌های موجود کوشیدند در زمینه‌ی اقتصادی تلاش جدی و توسعه‌ی متوازن را در دستور کار قرار دهند. نزدیکی به کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، راه میان‌بری بود که مالزی در پیش گرفت و خود را به ژاپن و امریکا نزدیک کرد تا بتواند درآمد اقتصادی خود را بهبود بخشد. همچنین، از سوی دیگر نیز با بازارهای منطقه‌ای و کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ی نزدیک به خود مشارکت جدی اقتصادی برقرار کرد. این مسئله در قراردادهای تجاری با اتحادیه‌ی آ.سه.آن بود که ارتباط مالی با آن برقرار شد. ژاپن، امریکا، اتحادیه‌ی آ.سه.آن و اتحادیه‌ی اروپا، شرکای مهم تجاری مالزی به شمار می‌روند و قلع، کائوچو، روغن نخل، نفت و گاز طبیعی، از مهم‌ترین محصولات

صادراتی مالزی است (مسائل، ۱۳۷۵: ۹۷ و ۱۶۶).

ماهاتیر محمد نیز در دوران حضور، همه‌ی نژادها را در امر توسعه‌ی کشور دخیل کرد و در این ارتباط آورد: «در مالزی، تفاوت‌های نژادی به همراه دیگر تفاوت‌ها در سلطه‌ی اقتصادی تشدید شده است. در مالزی، از میان سه نژاد مالایی، چینی و هندی، فقیرترین و کم‌توسعه‌ترین نژاد، نژاد بومی مالایی است. مالایی‌ها همگی مسلمان‌اند. چینی‌ها، که بودایی هستند، پویاترین نژاد در کسب و کارند و در میان این دو نژاد، هندی‌ها با مذهب هندو قرار دارند. کشور نمی‌تواند توسعه یابد، مگر آنکه در آرامش و ثبات باشد. اگر توسعه برای کشور ضروری است، نخستین نیاز توسعه، حصول اطمینان از وجود روابط خوب بین نژادهاست تا دسترسی به ثبات امکان‌پذیر باشد. با پیوستن قدرت سیاسی و ثبات اقتصادی، سازندگی کشور فراهم می‌شود. در مالزی، قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی به نوعی تقسیم شده است که مالایی‌ها از اختصاص بخشی از ثروت اقتصادی به خود خوشنودند و چینی‌ها و هندوها هم از سهم شدن در قدرت سیاسی راضی شده‌اند. این مشارکت همان چیزی است که مالزی را باثبات کرده است» (محمد، ۱۳۸۸ش: ۱۶۵-۱۶۴).

در سیاست اقتصاد ملی، برخی اقدامات برای تأثیرگذاری بر اقتصاد، پیشبرد توسعه‌ی متوازن و توزیع ثروت ارائه شده است که با استفاده از پیوندهای هویتی و برنامه‌های توسعه، در ذیل هدف توسعه‌محور اسلام حضاری، دولت مالزی کوشش کرده است که مشارکت همگانی را در روند توسعه‌ی ملی قرار دهد و اثر توسعه‌ی متوازن و اقتصاد ملی را در جامعه‌ی مالزی بر زندگی مردم تضمین کند (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۳ش: ۹۸).

محیط زیست در تمدن اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کلید موفقیت تمدن اسلامی، در حفظ محیط زیست است که در این زمینه، تسلط مسلمانان به علم و تکنولوژی مسیر را آسان می‌کند. در اندیشه‌ی اسلام حضاری، محافظت از محیط زیست، یکی از اصول مهم برشمرده می‌شود. علم و تکنولوژی مدرن توانسته است جنبه‌های نیازهای مادی انسان را برطرف کند، ولی نتوانسته است در مورد رفع نیازهای معنوی به جد بکوشد. نمونه‌ای از آن، که اسلام در باب محیط زیست پیشرو به شمار می‌رود، نگاه به پیشرفت مسلمانان در کشاورزی است؛ کشاورزی مبتنی بر تکنولوژی، که آلمان آن را به کار گرفت، همان کشاورزی سنتی اسلامی است که در دوره‌ی امروزه، کشاورزی ارگانیک است. این تکنولوژی، که سلامت انسان و طبیعت را هدف قرار داده، در اسلام حضاری مالزی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (AI-*Aidrus, 2009: 149-148*).

۱۰/۳. کیفیت خوب زندگی

برقراری زندگی خوب به همراه رفاه نسبی، از وظایف هر حکومت است. در تمدن اسلامی نیز هر حکومتی که توانست برای مردم رفاه نسبی ایجاد کند، بادوام‌تر خواهد بود. در رویکرد جدید تمدنی در سده‌ی اخیر نیز بر محور کیفیت خوب زندگی و رفاه تأکید شده است. برقراری ثبات اقتصادی، ایجاد آرامش در فضای سیاسی کشور، همگرایی بین نژادها و مذاهب گوناگون و سیاست همدلانه با کشورهای منطقه و مهم جهانی، در سده‌ی اخیر پیگیری شده است. در اسلام حضاری نیز به برخورداری از عناصر کیفی و کمی زندگی مانند کیفیت بهداشت، توسعه‌ی اقتصادی، آموزش و فرهنگ در جامعه توجه شده است و شاخص مهمی با عنوان «شاخص کیفیت زندگی مالزی» شکل گرفت که رفاه اجتماعی را سرلوحه قرار داده است. این شاخص مهم، رفاه اجتماعی را تنها در عوامل اقتصادی پی نمی‌گیرد، بلکه زندگی خانوادگی و سلامت عمومی را نیز مهم تلقی می‌کند که در نظر دارد با توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی ارزش‌های اسلامی - اجتماعی نیز همراه شود (محمد امین، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

با گسترش سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری جامعه‌ی جهانی، تمدن اسلامی در سده‌ی اخیر جلوه‌های جدیدی از همزیستی با دیگر تمدن‌های همسوی نشان می‌دهد. ویژگی این دوره، ارائه‌ی الگوهای تمدنی براساس نیازها، امکانات و قابلیت‌هاست که در کشورهای اسلامی وجود دارد. مالزی یکی از کشورهای مهم مسلمان در جنوب شرق آسیاست که به دلیل تحولات سیاسی و اقتصادی در سده‌ی اخیر، از رشد و شکوفایی در خور توجهی در زمینه‌ی امور اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و تمدنی برخوردار شده است. این کشور در سیاست خارجی خود با اخذ سیاست میانه‌روی سیاسی در رویارویی با قدرت‌های بزرگ جهانی و توجه به اقتصاد و سرمایه‌گذاری ویژه در آن و در سیاست داخلی نیز با پیش‌گیری از تعارض فردی و جمعی میان مالایی‌ها و مسلمانان و دیگر نژادها، بستر مناسبی برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم کرده است. قرائت جدید مالزی از تمدن اسلامی با عنوان «اسلام حضاری»، این کشور را جهان اسلام موفق جلوه داده و همگرایی ملی - مذهبی را در داخل موجب شده است که عموم هموطنان مالزیایی قائل به هویت مشترک هستند. این هویت مشترک خود را در پردازش همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی متبلور کرده و تا حد زیادی توانسته است رویکرد تمدنی جدید را به جهانیان عرضه کند.

منابع

قرآن کریم.

۱. اسپوزیتو، جان، وال، جان، دموکراسی، تکثرگرایی، اسلام و نظم نوین جهانی در دیدگاه ماهاتیر محمد، ترجمه: شجاع احمدوند، تهران، نشر نی، ۱۳۹۴ ش.
۲. اسفندیار، محمود رضا، تاریخ اسلام در جنوب شرقی آسیا، تهران، سمت، ۱۳۹۷ ش.
۳. اصغری، فیروزه، هندوستان، مطالعه‌ی تطبیقی وضعیت و جایگاه زنان در ایران و مالزی براساس شاخص نابرابری جنسیتی، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست، س ۱۲، ش ۱، بهار ۱۳۹۳ ش، ص ۹۲-۷۵.
۴. بابایی، حبیب‌الله، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۵. برازش، محمودرضا، آشنایی با مالزی، مشهد، انتشارات آفتاب هشتم، ۱۳۹۰ ش.
۶. تیشوا، رولا، کشورهای جنوب شرقی آسیا، ترجمه: غلامعلی سرمد، تهران، انتشارات شبگیر، ۲۵۳۶، ج ۲.
۷. جوان، جایوم اناک، سیاست و حکومت در مالزی، ترجمه: مجید خورشیدی و فخرالدین سلطانی، قزوین، انتشارات سایه‌گستر، ۱۳۹۰ ش.
۸. جهان‌بین، فرزاد؛ میرحسینی، فرشته، بررسی و مقایسه‌ی مؤلفه‌های تمدنی میان چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، ترکیه و مالزی، فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۲۲، تابستان ۱۳۹۶ ش، ص ۹۲-۶۱.
۹. خراسانی، صدیقه، بررسی فرایند دستیابی به حکمرانی اسلامی در الگوی اسلام تمدنی مالزی، مجموعه مقالات همایش ملی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ج ۲، ۱۴۰۱ ش.
۱۰. خلیلی، محسن؛ دانشمندی، رضا، نگاهی به مدل دولت ملت‌سازی در مالزی»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات جهان اسلام، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۲ ش، ص ۸۵-۱۲۴.
۱۱. خواجه سروی، غلامرضا؛ رسولی، امیر ابراهیم، مقایسه‌ی نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه‌ی مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی بین-المللی، ش ۳۸، بهار ۱۳۹۸ ش، ص ۷۷-۱۰۰.

۱۲. رهدار، احمد، بیداری اسلامی و بررسی تطبیقی ظرفیت‌های ایران و مالزی برای الگوی تمدنی جهان اسلام، فصلنامه‌ی ۱۵ خرداد، س ۹، ش ۳۰، زمستان ۱۳۹۰ ش، ص ۸۰-۲۹.
۱۳. شیرودی، محمدرسجد، فرهنگ و تمدن اسلامی مالایی‌ها و تأثیرگذاری آن بر هویت سیاسی-اجتماعی مالزی»، فصلنامه‌ی علم و تمدن در اسلام، س ۵، ش ۱۷، پاییز ۱۴۰۲ ش، ص ۵۲-۳۰.
۱۴. فلاح‌زاده، محمدهادی، آشنایی با کشورهای اسلامی (۲)؛ مالزی، تهران، انتشارات مؤسسه-ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. کلینگ، زیتال، ساخت اجتماعی: عملکردهای مذهبی مالایی، در تمدن اسلامی در سرزمین‌های مالایی، به اهتمام محمد نائب عثمان و دیگران، ترجمه: محمدجواد ناطق‌پور و همکاران، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی- بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. لپی‌یگر، دنی، تجربه‌ی توسعه در شرق آسیا، ترجمه: غلامعلی فرجادی، یوسف نراقی، اسماعیل ابونوری، احمد مجتهد، حمید سهرابی و سعید نیکزاد لاریجانی، تهران، مؤسسه‌ی عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. محمد، ماهاتیر، اسلام، دانش و مسائل بین‌المللی، ترجمه: محمدرضا رضایی‌پور، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۰ ش، چ ۲.
۱۸. محمدامین، رزیتا، عبدالله یوسف، سلامه، محمدحنیف، محمد، اسلام، ارزش‌ها، مسائل اجتماعی و توسعه‌ی متعادل در مالزی، ترجمه: مهدی خسروشاهی، ماهنامه‌ی علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، ش ۵۵، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۱۲-۱۱۹.
۱۹. مسائلی، محمود، مالزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ ش، چ ۲.
۲۰. نوروزی فیروز رسول؛ خاتمی‌نیا، فضا، گزارش کتاب اسلام تمدنی: پلی میان سنت و تجدد، ماهنامه‌ی آینده‌ی پژوهش، س ۲۴، ش ۲، ۱۳۹۲ ش، ص ۶۱-۱۴۰.
۲۱. نوئر، دلیار، ابعاد سیاسی اسلام در دوران معاصر در اسلام در جنوب شرقی آسیا، ام. بی هوکر، ترجمه: محمدمهدی حیدرپور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. هوکر، ام.بی، اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه: محمدمهدی حیدرپور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.

۲۳. AL-AIDRUS, MOHAMED AJMAL, International institute of Islamic thought and civilization (ISTAC) international Islamic university Malaysia, ۲۰۰۹.
۲۴. Ali. Muhamad. "Malaysia's Islam Hadhari and the Role of the Nation-State in International Relations", in "Islam and International Relations". Palgrave Macmillan, London, ۲۰۱۶.
۲۵. Azra, Azumardi, "opposition to Sufism in the East Indies in the seventeenth and eighteenth centuries", in Islamic mysticism contested: thirteen centuries of controversies and polemics, Leiden, Brill, ۱۹۹۹.
۲۶. Faruqi, Shad Saleem, The Malaysian, Constitution The Islamic State And Hudud Laws, In Islam in Southeast Asia, Edited By K.S.Nathan&Mohammad Hashim Kamali, Institute of Southeast Asia Studies, Singapore, ۲۰۰۵.
۲۷. Funston, John, "Malasia" in Voices of Islam in Southeast Asia, compiled and Edited by Greg Fealy and Virginia Hooker, Singapore, Institute of Southeast Asian Studies.
۲۸. Hoffstaedter, Gerhard. Islam Hadhari: A Malaysian Islamic Multiculturalism or Another Blank Banner Contemporary Islam , ۲۰۰۹.
۲۹. Mutalib, Hussin, "Islamic Malay Policy in Southeast Asia" in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur, Dewan Bahasa dan Pustaka, ۱۹۹۷.
۳۰. Tarling, Nicholas, Nationalism in Southeast Asia: If the people are with us, New York, ۲۰۰۴.

